

مقاله پژوهشی: تأثیر مخارج امور دفاعی و امنیتی دولت بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق در کشور

نرگس احمدوند^۱، محمد علیزاده^۲، محمدحسین فطرس^۳ و محبوبه دلفان^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶

چکیده

مخارج دولت‌ها در حوزه‌های دفاع، نظم و امنیت، نقش محوری و مؤثری در حفظ تمامیت ارضی و ایجاد ثبات در جوامع بازی می‌کنند؛ از این رو چگونگی تخصیص بودجه دولت در این حوزه‌ها با اهداف ایجاد ثبات و افزایش رفاه اجتماعی در جوامع به شکلی مؤثر به درک صحیحی از وضعیت اقتصادی کشور وابسته است. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثرگذاری کل مخارج دولت و اثرگذاری مخارج دولت در امور دفاعی و فصول مربوط به آن شامل نظم، امنیت و دفاع بر شاخص رفاه اجتماعی (آمارتیا سن) در طی ادوار تجاری در اقتصاد ایران است. به این منظور برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل خود توضیح غیرخطی با وقفه‌های گسترده در طی دوره زمانی سال-های ۱۳۹۸-۱۳۵۲ بهره گرفته شده است.

نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که شوک‌های مثبت مخارج دولت در امور دفاعی و فصل دفاع در دوره‌های رکود و همچنین در فصل نظم و امنیت در دوره‌های رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی شده است. این در حالی است که شوک‌های منفی مخارج دولت در امور دفاعی و فصول دفاع و نظم و امنیت در دوره‌های رونق و همچنین در فصل دفاع در دوره‌های رکود نیز رفاه اجتماعی را افزایش داده است؛ علاوه بر این، شوک‌های مثبت و منفی کل مخارج دولت در طی ادوار تجاری به ترتیب موجب کاهش و افزایش رفاه اجتماعی شده است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد نتایج مذکور دلالت بر این مسئله دارد که اثرگذاری اجزای مخارج دولت بر رفاه اجتماعی نامتقارن است.

واژگان کلیدی: امور دفاعی و امنیتی، شاخص رفاه اجتماعی، آمارتیا سن، مخارج، رکود، رونق.

۱. دانشجوی دکتری، علوم اقتصادی، دانشگاه لرستان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه اقتصاد، لرستان، ایران، مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول از دانشگاه لرستان است.
۲. دانشیار، علوم اقتصادی، دانشگاه لرستان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه اقتصاد، لرستان، ایران، نویسنده مسئول.
۳. استاد تمام، علوم اقتصادی، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، گروه اقتصاد، همدان، ایران.
۴. استادیار، علوم اقتصادی، دانشگاه لرستان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه اقتصاد، لرستان، ایران.

مقدمه

امنیت اشخاص و دارایی آن‌ها در برابر تهدیدات داخلی و خارجی برای افزایش فعالیت افراد در بازارها و گسترش سرمایه‌گذاری امری ضروری تلقی می‌شود؛ از این رو تا زمانی که هزینه‌های نظامی امنیت را افزایش می‌دهند موجب افزایش تولید و رفاه اجتماعی می‌شوند (دون و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۲)؛ همچنین با توجه به مطالعه بنویت^۱ (۱۹۷۸) رابطه دقیق بین متغیر مخارج نظامی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله رفاه اجتماعی اجماعی یافت نشده است. دلیل این امر دیدگاه‌های رایج و متفاوتی است که در این زمینه وجود دارد. اولین دیدگاه اشاره بر آن دارد، مخارج نظامی می‌تواند موجب کاهش رفاه اجتماعی شود؛ زیرا مخارج نظامی مانعی برای استفاده از مخارج دولت در سایر بخش‌های غیرنظامی بوده که موجب تحریک بیشتر فعالیت‌های اقتصادی مولد می‌شوند (بولکو کارادام و همکاران،^۲ ۲۰۱۶: ۳۲)؛ همچنین انتقال منابع از بخش غیرنظامی به ارتش از طریق از بین بردن اثر مصرف و سرمایه‌گذاری موجب کاهش مصرف، افزایش بیکاری و در نتیجه کاهش رفاه می‌شود. دومین دیدگاه اشاره بر آن دارد که مخارج نظامی موجب افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. در این دیدگاه در صورتی که مخارج دفاعی از نوع سرمایه‌ای باشد موجب ایجاد زیرساخت‌های عمومی متنوع، افزایش سرمایه فیزیکی و انسانی و امنیت داخلی می‌شود (دی آگوستینو و همکاران،^۳ ۲۰۱۱: ۴۱)؛ در نهایت دیدگاه سوم اشاره می‌کند اثر مخارج نظامی بر روی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله رشد و رفاه اجتماعی بی‌نتیجه است (فری،^۴ ۲۰۱۶: ۵۶).

نکته مهم آن است که با توجه به مطالعات تجربی، دولت باید برای دستیابی به اهداف کاهش نوسانات اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی، مخارج دفاعی و امنیتی خود را در زمان رکود و رونق به ترتیب افزایش و کاهش دهد؛ اما به‌طور دقیق‌تر آنچه در کاهش نوسانات

1. Dunne, J. P., Smith, R. P., & Willenbockel, D.
2. Benoit, E.
3. Yolcu Karadam, D., Yildirim, J., & Öcal, N.
4. D'Agostino, G., Dunne, P., & Pieroni, L.
5. Phiri, A.

اقتصادی و در پی آن افزایش رفاه اجتماعی مؤثر بوده میزان حاکم بودن اثرات ضریب فزاینده کینزی در سمت تقاضای کل اقتصاد بر اثرات برون‌رانی^۱ کلاسیک‌ها در سمت عرضه اقتصاد در طی ادوار تجاری است. برای نمونه اگر در طی دوره‌های رکود دولت به اعمال سیاست انبساطی افزایش مخارج دفاعی پردازد ولی در نتیجه اعمال این سیاست شاهد افزایش نوسانات اقتصادی و کاهش رفاه اجتماعی باشد یکی از دلایل این امر می‌تواند حاکم بودن اثرات برون‌رانی کلاسیک‌ها بر اثرات درون‌رانی کینزین‌ها^۲ باشد؛ در نتیجه بر اساس شرایط اقتصادی جامعه هرگونه نتیجه‌ای در طی دوره رکود و رونق محتمل است؛ از این‌رو نیاز به برنامه‌ریزی دولت در راستای اعمال سیاست‌های مالی دوچندان خواهد شد.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

رفاه اجتماعی عبارت است از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به‌منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی در تأمین سعادت انسان ارائه می‌شوند تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورند (نادمی و مفتخری، ۱۳۹۶: ۷۲). آمارتیا سن نیز رفاه اجتماعی را ناشی از مطلوبیت‌های افراد که متأثر از موقعیت‌های اجتماعی آن‌ها بوده در نظر می‌گیرد. وی معتقد است که رفاه اجتماعی افراد به وضعیت درآمد آن‌ها و چگونگی توزیع درآمد بستگی دارد (سن، ۱۹۷۳-۱۹۷۴: ۷۷). وضعیت درآمد و چگونگی توزیع درآمد بین اقشار مختلف به نوبه خود بستگی به چگونگی اجرای سیاست‌های دولت در تخصیص بودجه بین بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله حوزه دفاع و امنیت دارد. چگونگی تخصیص مخارج دولت در حوزه دفاع و امنیت ملی به‌ویژه برای کشورهای با منابع طبیعی فراوان و استقرار یافته در موقعیت‌های حساس جغرافیایی که همواره مورد تهدید بیگانگان قرار داشته دارای اهمیت

1. Crowding Out Effect
2. Crowding Inner Effect

دوچندان است. بر اساس اهمیت این موضوع مطالعات زیادی با دیدگاه‌های متفاوت به بررسی ارتباط مخارج دفاعی و امنیتی دولت بر روی متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعات به سه دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) مطالعاتی که به اثربخشی مثبت مخارج دفاعی و امنیتی اشاره داشته که در این راستا می‌توان به مطالعات بنویت (۱۹۷۸)، کوسی^۱ (۱۹۹۴) اشاره کرد؛

(۲) مطالعاتی که به اثربخشی منفی مخارج دفاعی و امنیتی اشاره داشته که در این مورد می‌توان به مطالعات دون و همکاران^۲ (۲۰۰۰)، بتچلر و همکاران^۳ (۲۰۰۰)، شیه و همکاران^۴ (۲۰۰۲)، کولیس و همکاران^۵ (۲۰۰۷)، آیه و همکاران^۶ (۲۰۱۴) اشاره کرد؛

(۳) مطالعاتی که به اثربخشی ناچیز مخارج دفاعی و امنیتی بر رفاه اشاره دارند که در این راستا به مطالعات میتز و هانگ^۷ (۱۹۹۰)، ماجسکی^۸ (۱۹۹۲)، میتز و استیونسون^۹ (۱۹۹۵) می‌توان اشاره کرد.

از طرف دیگر وجود ادوار تجاری ناشی از تغییرات ساختاری روزافزون در کشورهای درحال توسعه موجب شکل‌گیری ادبیاتی درزمینه متفاوت بودن اثرگذاری مخارج دولت در طی دوره‌های رکود و رونق شده و این امر جنبه غیرخطی بودن مخارج دولت را برجسته می‌کند. ادبیاتی که در مطالعات تجربی داری و میلنز^{۱۰} (۲۰۰۸)، فورکری و زدیزنیکا^{۱۱} (۲۰۱۰)، باوام و کوستر^{۱۲} (۲۰۱۱)، بوسویلین و دوفرنوت^{۱۳} (۲۰۱۱)، گراندو و همکاران^{۱۴}

1. Kusi, N. K.

2. Dunne P., Nikolaidou, E., & Roux, A.

3. Batchelor, P., Dunne, P., & Saal, D.

4. Shieh, J., Lai, C., & Chang, W.

5. Kollias, C., Mylonidis, N., & Paleologou, S.M.

6. Aye, G., Balcilar, M., Dunne, P., Gupta, R., & van Eyden, R.

7. Mintz, A., & Huang, C.

8. Majeski, S. J.

9. Mintz, A., & Stevenson, R. T.

10. Darby, J., & Melitz, J.

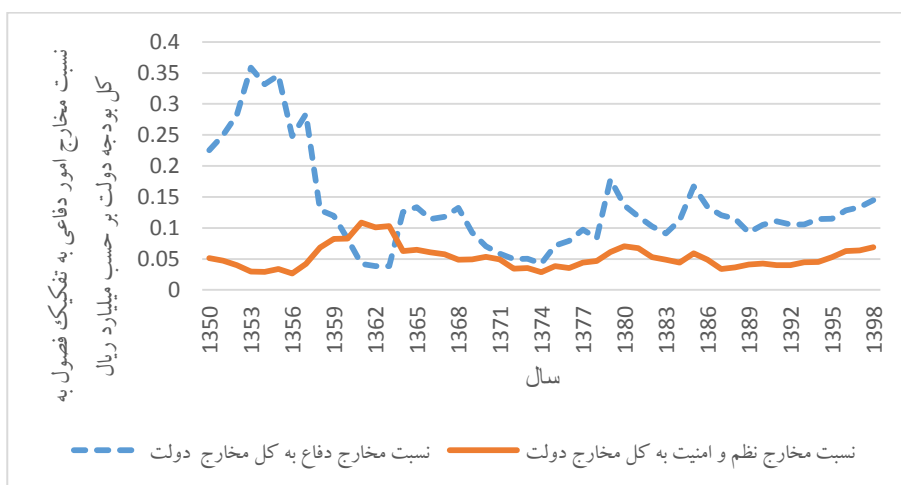
11. Furceri, D., & Zdzienicka, A.

12. Baum, A., & Koester, G. B.

13. Bouthevillain, C., & Dufrenot, G.

14. Granado, Del., Arze, G. J., & Hajdenberg, A.

(۲۰۱۳)، چیبی و همکاران^۱ (۲۰۱۴)، بارانوسکی و همکاران^۲ (۲۰۱۶)، جوینی^۳ (۲۰۱۸) دیده می‌شود؛ از این رو دولت‌ها موظف بوده‌اند که در برنامه‌ریزی‌های مربوط به تخصیص بودجه نقش ادوار تجاری را مهم به شمار آورند؛ از این رو مخارج دفاعی و امنیتی نیز در سال‌های اخیر به دلیل توسعه تهدیدات متغیر و متنوع خارجی و جنگ‌های متعددی که در منطقه غرب آسیا صورت گرفته روندی افزایشی داشته به گونه‌ای که بر اساس گزارش‌ها و مستندات در طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۹۸ بودجه اختصاص یافته به فصول امور دفاعی به صورت نشان داده شده در نمودار (۱) صادر شده‌اند:



نمودار-۱. نسبت مخارج دولت به تفکیک فصول دفاعی به کل مخارج دولت

منبع: وزارت امور اقتصادی و دارایی

بر اساس نمودار (۱) بیشترین بودجه اختصاص یافته به ترتیب مربوط به فصل دفاع و پس از آن امنیت بوده است. تنها در سال ۱۳۶۲ مخارج دولت در فصل نظم و امنیت از فصل دفاع پیشی گرفته است؛ همچنین بر اساس گزارش‌ها و مستندات وزارت امور اقتصادی و دارایی در بین امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دفاعی و امنیتی و عمومی، امور دفاعی و امنیتی پس از امور اجتماعی و اقتصادی در جایگاه سوم اختصاص بودجه دولت قرار

1. Chibi, A., Benbouziane, M., & Chekouri, S.M.

2. Baranowski, P.; Krajewski, P.; Mackiewicz, M., & Szymańska, A.

3. Jouini, J.

گرفته است. این نوع اختصاص بودجه از سوی دولت، نشان‌دهنده اهمیت و اولویت‌بندی هر یک از امور مزبور در نزد دولت است. بر اساس مطالعات احمدوند و همکاران (۱۳۹۹) نیز میزان شاخص رفاه اجتماعی آمارتیاسن^۱ در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۵۲ به ترتیب در بالاترین و پایین‌ترین سطح خود قرار داشته است. آمارها نشان می‌دهند که از سال ۱۳۸۶ به بعد روند شاخص رفاه اجتماعی در کشور نزولی شده به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۸ به کمترین میزان خود در ۳۰ سال اخیر رسیده است؛ در نتیجه با توجه به دغدغه نبود پژوهش علمی معتبر در زمینه بررسی اثرات غیرخطی مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی و فصول مربوط بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری ایران، پژوهش حاضر به شکلی راهبردی ارائه شده است؛ از این رو به کارگیری روش خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی به منظور برای بررسی اثرگذاری کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی در طی دوره‌های رکود و رونق از جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر است؛ بنابراین پژوهش حاضر به دنبال بررسی اثرات کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و زیر فصول مربوط به آن شامل فصل دفاع و نظم و امنیت در طی دوره‌های رکود و رونق بر رفاه اجتماعی با استفاده از روش رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی در طی دوره زمانی ۱۳۵۲-۱۳۹۸ در اقتصاد ایران است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

رفاه اجتماعی شهروندان همواره با مؤلفه‌های مهمی مانند میزان سطح درآمدی آنان نمایش داده می‌شود و این سطح درآمد به نوبه خود وابسته به امنیت اقتصادی حاکم بر

۱. تابع رفاه اجتماعی آمارتیاسن از مقادیر ضریب جینی و میانگین درآمد یا هزینه‌های خانوارها (μ) حاصل شده است:

$$W = 2 \int_0^1 \mu L(P) dp = \mu(1 - G) \rightarrow W = \mu(1 - G)$$

اگر از تابع بالا در زمان مشتق گرفته شود:

$$\frac{\delta W}{\delta t} = (1 - G) \frac{\delta \mu}{\delta t} - \mu \frac{\delta G}{\delta t}$$

$\frac{\delta \mu}{\delta t}$ جزء کارایی پرتو و $\mu \frac{\delta G}{\delta t}$ جزء توزیع درآمدی خواهد بود (سن، ۱۹۷۳؛ ۱۹۷۴).

جامعه است. امنیت اقتصادی با ایجاد امنیت و دفاع از تمامیت ارضی در برابر تهدیدات متنوع و متغیر خارجی حاصل می‌شود؛ بنابراین ارتباط موجود بین رفاه اجتماعی شهروندان و مخارج دفاعی و امنیتی افزون بر وجود سیر نزولی در رفاه اجتماعی در سال‌های اخیر لزوم بررسی آثار غیرخطی مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی و فصول مربوط بر روی رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری ایران را دوچندان می‌کند؛ بنابراین برای دستیابی به اهدافی همچون افزایش رفاه اجتماعی باید به تخصیص صحیحی از منابع مالی دولت در امور دفاعی و امنیتی با در نظر گرفتن نقش نوسانات اقتصادی پرداخت. در غیر این صورت در ایران با کاهش رفاه اجتماعی روبه‌رو خواهیم شد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

سبا و نپا (۲۰۲۰) با استفاده از روش پانل خود رگرسیون برداری^۱ در طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۰ به بررسی رابطه میان مخارج دفاعی، رشد و توسعه پرداخته‌اند. نتایج وجود رابطه بلندمدت منفی و دوطرفه بین هزینه‌های دفاعی، رشد اقتصادی و توسعه در کل نمونه و سه منطقه جنوب صحرائی آفریقا، خاورمیانه و شمال آفریقا و آمریکای لاتین و کشورهای کارائیب را نشان می‌دهد.

یولکو کارادام و همکاران (۲۰۱۶) با بهره‌گیری از روش رگرسیون پانل انتقال روان لجستیک^۲ در طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۸۸ در کشورهای خاورمیانه و ترکیه به بررسی آثار غیرخطی مخارج نظامی بر روی رشد پرداختند. نتایج رابطه غیرخطی و نامتقارن مخارج نظامی بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد.

منلا و دمیتراکی (۲۰۱۴) با استفاده از روش مارکوف سوئیچینگ^۳ در طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۵۳ به بررسی اثر هزینه‌های نظامی بر روی رشد اقتصادی در چین پرداختند.

1. PVAR
2. PSTR
3. MSAR

نتایج نشان می‌دهد مخارج نظامی در دوره‌های رکود دارای تأثیر منفی بر روی رشد اقتصادی بوده و وجود و واریانس بالا نشان از بی‌ثباتی بیشتر اقتصادی دارد؛ در حالی که در دوره‌های رونق با اثرگذاری مثبت بر روی رشد دارای واریانس کمتر بوده که نشان‌دهنده آن بوده افزایش مخارج نظامی در دوره‌های رونق موجب کاهش بی‌ثباتی‌های اقتصادی شده است؛ همچنین احتمال پایداری رژیم رکود بیشتر از رونق است.

دی‌اگستینو و همکاران (۲۰۱۱) با استفاده از روش رگرسیون انتقال روان لجستیک در طی دوره زمانی ۱۹۵۸ - ۲۰۰۵ برای ایالات متحده، بین مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری نظامی تنها به رابطه U شکل بین مخارج سرمایه‌گذاری نظامی و رشد اقتصادی دست یافتند؛ به گونه‌ای که در ابتدا رابطه مثبت بین متغیرها تا نقطه مطلوب وجود داشته و سپس این رابطه تبدیل به یک رابطه منفی می‌شود.

از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای^۱ در طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۵ در کشورهای منا به ارتباط منفی میان مخارج نظامی و رشد اقتصادی دست یافتند.

انتظار و نجفی (۱۳۹۷) در طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۹ با به‌کارگیری روش مارکوف سوئیچینگ با لحاظ تغییر رژیم در ضرایب متغیرهای توضیحی به بررسی نحوه اثرگذاری شوک مثبت و منفی سیاست‌های مالی در قالب مخارج مصرفی دولت بر رشد اقتصادی ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شوک مثبت در دوره‌های رونق تأثیر مثبت و در دوره‌های رکود تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد. در حالی که شوک‌های منفی به ترتیب دارای تأثیری مثبت و منفی در طی دوره‌های رکود و رونق بر رشد اقتصادی بوده‌اند.

موحدی و آبکناری (۱۳۹۶) با بهره‌گیری از سیستم معادلات هم‌زمان و با استفاده از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای برای برآورد معادلات تک‌معادله‌ای و روش حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای^۲ برای برآورد هم‌زمان معادلات در ۲۸ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۵ به این نتیجه دست یافتند افزایش مخارج نظامی در کشورهای صادرکننده تجهیزات

نظامی موجب افزایش رشد اقتصادی و در کشورهای واردکننده تجهیزات نظامی موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

سلیمی فر و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی^۱ در طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۶۲ به بررسی تأثیر ترکیب بودجه‌ای دولت بر سه بعد رفاه شامل درآمد و شاخص‌های فقر، رفاه آماریاسن و توسعه انسانی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهند مخارج موزون و غیرموزون دولت در بخش امنیت بر فقر سرشمار دارای اثرگذاری منفی بوده است. مخارج موزون دولت دارای اثرگذاری منفی و مخارج غیرموزون دولت دارای اثرگذاری مثبت بر روی شاخص توسعه انسانی بوده و هر دو مخارج موزون و غیر موزون دولت دارای اثرگذاری مثبت بر رفاه اجتماعی بوده‌اند.

سامتی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اثر ترکیب بودجه دولت بر رفاه اجتماعی در ایران: دوره زمانی (۱۳۸۲-۱۳۶۰)» با استفاده از روش توصیفی مبتنی بر علی و معلولی در طی دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۶۰ در ایران به این نتیجه دست یافتند مخارج نظامی دارای اثرگذاری مثبت اما بی‌معنا بر رفاه اجتماعی در ایران است.

حسینی و همکاران (۱۳۸۷) با استفاده از روش سیستم معادلات هم‌زمان در قالب مدل رشد بارو در طی دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۷ به بررسی اثرگذاری انواع مخارج دولت به تفکیک امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عمومی، دفاعی و امنیتی بر روی رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج در امور دفاعی و امنیتی نشان می‌دهد مخارج دولت در این امور دارای تأثیر منفی و معنادار بر روی رشد اقتصادی است. در میان امور بیشترین تأثیرگذاری مربوط به امور دفاعی بر روی رشد اقتصادی بوده است.

۴-۱. سؤال‌های تحقیق

۴-۱-۱. سؤال اصلی

(۱) آیا اثرگذاری کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی و زیرفصول مربوط به آن بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری غیرخطی است؟

۴-۱-۲. سؤال‌های فرعی

(۱) شدت اثرگذاری کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و زیر فصول مربوط به آن بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود بیشتر است یا در دوره‌های رونق؟
(۲) آیا اثر شوک‌های مثبت و منفی کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی و زیر فصول مربوط به آن بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق با یکدیگر تفاوت آماری معناداری دارند؟

۵-۱. هدف‌های تحقیق

۵-۱-۱. هدف اصلی

بررسی تأثیرات غیرخطی کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری با استفاده از مدل خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی.

۵-۱-۲. هدف‌های فرعی

(۱) بررسی رفتار نامتقارن کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی و زیرفصول مربوط به آن در طی دوره‌های رکود و رونق با هدف افزایش رفاه اجتماعی در اقتصاد ایران.

۶-۱. روش‌شناسی تحقیق

نوع پژوهش حاضر کاربردی بوده و روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و مبتنی بر شیوه تحلیل استنباطی است. داده‌های مورد استفاده در

پژوهش حاضر از پایگاه‌های مرکز آمار، بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و دارایی و بانک جهانی گردآوری شده است. این اطلاعات برای اقتصاد ایران و دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۵۲ بوده است. جهت برآوردها به روش فیلتر هودریک پرسکات و روش اقتصادسنجی خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی از نرم‌افزار Eviews استفاده شده است. بر اساس مطالعه کولی و پرسکات^۱ (۱۹۹۵) اگر یک سری زمانی مشاهده شده x_t را بتوان در قالب مجموع یک جزء نوسانی و یک جزء روند تشریح کرد و اگر پارامتری باشد که بیان‌کننده واریانس نسبی جزء روند در مقابل نوسان باشد در این صورت پارامتر مذکور بیانگر چگونگی کنترل همواری مسیر روند است. با معلوم شدن پارامتر a مسئله فیلتر هودریک- پرسکات عبارت است از حداقل کردن مجموع مجذورات T_t ، انحراف متغیر سری زمانی x_t از روند (T) ؛ در واقع مقادیر روند فیلتر هودریک پرسکات مقادیری هستند که رابطه زیر را حداقل می‌کند:

$$(1) j = \sum_{t=1}^T (x_t - \tau_{x,t})^2 + a \sum_{t=2}^{T-1} [(\tau_{x,t} - \tau_{T-1})]^2$$

که در آن، T تعداد مشاهدات، a پارامتر عامل موزون است که میزان هموار بودن روند را تعیین می‌کند. در پژوهش حاضر بر اساس فیلتر هودریک- پرسکات تفاوت بین مقدار فیلتر تولید ناخالص داخلی (HPGDP) و مقدار واقعی آن (GDP)، انحراف از روند طبیعی، SEGDP، است.

$$SEGDP_t = GDP_t - HPGDP_t$$

$$BOOM_t = \text{Max}(0, SEGDP_t)$$

$$(2) REC_t = \text{Min}(SEGDP_t, 0)$$

در روابط بالا Boom, REC به ترتیب نشان‌دهنده مقدار انحراف تولید ناخالص داخلی با نفت از روند طبیعی آن در سال‌های رونق و رکود اقتصادی است. حال اگر در الگوی اقتصادسنجی از متغیر موهومی DUBOOM استفاده شود مقدار آن برای دوران رونق برابر با یک و در شرایط رکود صفر است؛ اما چنانچه از متغیر موهومی DUREC استفاده شود مقدار

این متغیر برای سال‌های رکود یک و برای سال‌های رونق اقتصادی مقدار صفر است (رضایی‌پور و دیگران، ۱۳۹۰). پس از استخراج ادوار تجاری برای مدل‌سازی سری‌های زمانی در ابتدا باید به بررسی پایایی متغیرها پرداخت. اگر متغیرهای مورد استفاده در مدل، پایا نباشد برآوردها به یک رگرسیون کاذب منجر می‌شوند. برای بررسی پایایی متغیرها در پژوهش حاضر از آزمون دیکی فولر با لحاظ شکست ساختاری استفاده شده است؛ همچنین برای بررسی آثار کوتاه‌مدت مخارج دولت بر روی رفاه اجتماعی از الگوی خود رگسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی ارائه شده توسط شین و همکاران^۱ (۲۰۱۴) استفاده شده است. پیش از توضیح مدل گفتنی است که به دلیل ماهیت ادوار تجاری و نقش آن‌ها در اجرای سیاست‌های مالی هدف پژوهش حاضر شناخت اثرات کوتاه‌مدت مخارج دولت در دوره‌های رکود و رونق بوده است؛ بنابراین لزومی توضیح و ارائه روابط بلندمدت و الگوی تصحیح خطا نخواهد بود. این الگو یکی از روش‌های هم‌انباشتگی نامتقارن تلقی می‌شود؛ در واقع ویژگی‌های مدل خود رگسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا تحلیل مشترکی از مسایل مربوط به نامانایی و غیرخطی بودن در مدل تصحیح خطای نامقید^۲ داشته باشند. رابطه هم‌انباشتگی خطی مؤلفه‌های مجموع تجمعی مثبت و منفی به صورت زیر خواهد بود:

$$(۳) \quad x_t = x_0 + x_t^+ + x_t^-$$

به گونه‌ای که

$$x_t^- = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^- = x_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^+ = \sum_{j=1}^t \max(\Delta x_j, 0)$$

$$(۴) \quad \sum_{j=1}^t \min(\Delta x_j, 0)$$

$$(۵) \quad Z_t = \beta_0^+ y_t^+ + \beta_0^- y_t^- + \beta_1^+ x_t^+ + \beta_1^- x_t^-$$

اگر Z_t انباشته از مرتبه $I(0)$ باشد در این صورت گفته می‌شود که x_t و y_t به صورت

نامتقارن هم‌انباشته‌اند؛ به طوری که اگر $\beta_1^+ = \beta_1^-$ و $\beta_0^+ = \beta_0^-$ باشد؛ در این صورت

1. Shin, Y., Yu, B., & Greenwood-Nimmo, M.
2. Unrestricted Error Correction Model

هم‌انباشتگی متقارن خواهد بود (شودرت، ۲۰۰۳: ۹۹). حال با در نظر گرفتن مؤلفه‌های مثبت و منفی که از رابطه (۵) استخراج شده است فرم زیر که در حقیقت فرم مورد نظر است عبارتند از:

$$(۶) y_t = \beta^+ x_t^+ + \beta^- x_t^- + \lambda_w w_t + u_t$$

که در آن $x_t = x_0 + x_t^+ + x_t^-$ یک بردار $k \times 1$ شامل رگسورهای نامتقارن و w_t یک بردار $g \times 1$ شامل رگسورهای متقارن در مدل هستند. سپس با استفاده از آزمون استاندارد والد^۱ به بررسی عدم تقارن x_t با آزمون $\theta^+ = \theta^-$ پرداخته می‌شود.

ارائه و توصیف مدل

بر اساس مطالعات تجربی ارائه‌شده از هالیه و نینو زرزوا^۲ (۲۰۱۸) و خانزادی و همکاران (۱۳۹۴) در زمینه متغیر رفاه اجتماعی متغیرهای کنترلی الگوها انتخاب شده است؛ بنابراین از الگوی اول برای برآورد آثار مخارج دولت در امور دفاعی و زیرفصول مربوط و از الگوی دوم برای برآورد اثرات کل مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری استفاده شده است.

$$\begin{aligned} \text{Log}(W) = & \alpha + \beta_0 WL + \beta_1 \text{Log}(\text{Other_EXP}) + \beta_2 \text{Log}(\text{In}_t) + \\ & \beta_3 \text{Log}(\text{Urban}_t) + \beta_4 \text{Log}(\text{Open}_t) + \beta_5 \text{Log}(\text{Literacy}_t) + \beta_6 \text{Subsidy}_t + \\ & \beta_7 (\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{Recesion})_t + \beta_8 (\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{Boom})_t + \beta_9 (\text{Shock}_{\text{NEG}} * \\ & \text{Recesion})_t + \beta_{10} (\text{Shock}_{\text{NEG}} * \text{Boom})_t + u_t \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{Log}(W) = & \alpha + \beta_0 WL + \beta_1 \text{Log}(\text{In}_t) + \beta_2 \text{Log}(\text{Urban}_t) + \beta_3 \text{Log}(\text{Open}_t) + \\ & \beta_4 \text{Log}(\text{Literacy}_t) + \beta_5 \text{Subsidy}_t + \beta_6 (\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{Recesion})_t + \\ & \beta_7 (\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{Boom})_t + \beta_8 (\text{Shock}_{\text{NEG}} * \text{Recesion})_t + \beta_9 (\text{Shock}_{\text{NEG}} * \\ & \text{Boom})_t + u_t \end{aligned}$$

1 wald's Standard Test

2 Haile, F., & Nino-Zarazua, M.

در روابط بالا، $\text{Log}(W)$: لگاریتم شاخص رفاه اجتماعی آمارتیا سن یوده که از رابطه $W = \mu(1 - G)$ حاصل شده است. در این رابطه μ : میانگین هزینه‌های خانوارهای شهری به شاخص قیمت مصرف‌کننده به قیمت ثابت ۱۳۹۵ بوده و G : مقادیر ضریب جینی است. WL : وقفه اول رفاه اجتماعی است. $\text{Log}(\text{Urban})$: لگاریتم نسبت شهرنشینی بوده که از نسبت جمعیت ساکن در مراکز شهری یک کشور یا منطقه در یک مقطع زمانی معین به کل جمعیت همان کشور یا منطقه در همان مقطع زمانی حاصل می‌شود. $\text{Log}(\text{Literacy}_t)$: لگاریتم نرخ باسوادی بوده که به شکل درصدی از جمعیت ۱۵ تا ۲۴ سال که قادر به درک، خواندن و نوشتن هستند تعریف می‌شود $\text{Log}(\text{In})$: لگاریتم شاخص قیمت مصرف‌کننده به قیمت ثابت ۱۳۹۵ است $\text{Log}(\text{Open})$: لگاریتم شاخص درجه باز بودن اقتصاد بوده که بر اساس نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود $\text{Log}(\text{Other_EXP})$: لگاریتم مخارج دولت در سایر امور و فصول بوده که از تفاوت کل مخارج دولت با امور یا فصول موردبررسی حاصل می‌شود. (Subsidy)، متغیر مجازی هدفمندسازی یارانه‌ها بوده که مقدار این متغیر از سال ۱۳۸۹ به بعد برابر یک و در سایر سال‌ها صفر است.

$\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{Recesion} : X_t^+ \times \text{Recesion}$ ؛ اثر شوک‌های مثبت لگاریتم مخارج دولت در امور و فصول موردبررسی در دوره‌های رکود بوده که از حاصل ضرب اثر تجمعی تغییرات (Δ) مثبت کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی و زیرفصول مربوط در هر سال نسبت به سال قبل برای دوره‌های رکود به دست آمده و برای دوره‌های رونق برابر با صفر است.

$\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{Boom} : X_t^+ \times \text{Boom}$ ؛ اثر شوک‌های مثبت لگاریتم مخارج دولت در امور و فصول موردبررسی در دوره‌های رونق بوده که از حاصل ضرب اثر تجمعی تغییرات (Δ) مثبت کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی و زیرفصول مربوط در هر سال نسبت به سال قبل برای دوره‌های رونق به دست آمده و برای دوره‌های رکود برابر با صفر است.

$\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{Recesion}; X_t^- \times \text{Recesion}$ ؛ اثر شوک‌های منفی لگاریتم مخارج

دولت در امور و فصول موردبررسی در دوره‌های رکود بوده که از حاصل ضرب اثر تجمعی تغییرات (Δ) منفی کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی و زیرفصول مربوط در هر سال نسبت به سال قبل برای دوره‌های رکود به دست آمده و برای دوره‌های رونق برابر با صفر است.

$\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{Boom}; X_t^- \times \text{Boom}$ ؛ اثر شوک‌های منفی لگاریتم مخارج دولت در

امور و فصول موردبررسی در دوره‌های رونق بوده که از حاصل ضرب اثر تجمعی تغییرات (Δ) منفی کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی و زیرفصول مربوط در هر سال نسبت به سال قبل برای دوره‌های رونق به دست آمده و برای دوره‌های رکود برابر با صفر است. لازم به ذکر است، دوره‌های رکود و رونق به ترتیب شکاف تولید منفی و مثبت بوده که از روش فیلتر هودریک پرسکات، $\text{SEGDP}_t = \text{GDP}_t - \text{HPGDP}_t$ محاسبه شده که در این رابطه: SEGDP_t انحراف از روند طبیعی (شکاف تولید)؛ GDP : مقدار واقعی تولید ناخالص داخلی؛ HPGDP : نوسانات یا فیلتر تولید ناخالص داخلی است.

به منظور برآورد اثرات مخارج دولت بر رفاه اجتماعی داده‌های پژوهش برای محاسبه متغیر رفاه اجتماعی از پایگاه‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، متغیر نرخ باسوادی و نرخ شهرنشینی از بانک جهانی داده‌ها،^۱ متغیر شاخص درجه باز بودن اقتصاد از بانک مرکزی و متغیرهای مربوط به مخارج دولت از پایگاه داده‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی گردآوری شده‌اند.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

رفاه اجتماعی به معنای تلاش برای تأمین تساوی فرصت‌های زیستی اجتماعی و اقتصادی بین همه افراد جامعه به وسیله مؤسسات و نهادها برای تأمین زندگی بهتر و

روابط مناسب‌تر برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و ظرفیت‌ها است (سامتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۱). دولت به‌عنوان یکی از متولیان این امر وظیفه مهمی برای تأمین سطح حداقل درآمد برای افراد فقیر و بهبود توزیع درآمد برای افزایش رفاه اجتماعی دارد. در طی چند دهه گذشته سیاست‌های مالی دولت از جمله چگونگی تخصیص مخارج دولت در حوزه دفاع و امنیت نظر بسیاری از سیاست‌گذاران را بر روی رفاه اجتماعی جلب کرده است. استدلال سیاست‌گذاران در این زمینه آن بوده که هرگونه تغییر بالقوه در مخارج دفاعی متغیرهایی همچون رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و نابرابری درآمد را در اقتصاد تحت تأثیر قرار می‌دهد (کارسو و دیگران،^۱ ۲۰۱۸: ۵۴)؛ به‌طور دقیق‌تر دیدگاه اقتصاددانان در ارتباط با تأثیر مخارج دفاعی و امنیتی دولت در طی ادوار تجاری با هدف کاهش نوسانات اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی به دو دیدگاه اصلی نظری خلاصه می‌شود. دیدگاه اول به اثر چند برابری درآمد کینزی اشاره دارد (دون،^۲ ۱۹۹۶: ۸۸). زاگلر و درنکر^۳ (۲۰۰۳) در زمینه این دیدگاه بیان می‌کنند سیاست‌های مالی از جمله افزایش مخارج دولت به‌عنوان ابزاری برای سیاست‌های ضد دوره‌ای تلقی شده که نوسانات کوتاه‌مدت تولید را کاهش و اشتغال را افزایش می‌دهند. لویزیدس و واموکاس^۴ (۲۰۰۵) شافودا^۵ (۲۰۱۵) در اثرگذاری از نوع کینزی تأثیرات مخارج دولت بر نرخ بهره را اندک دانسته و آن را موجب افزایش فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه افزایش رفاه می‌دانند (هانسول، ۲۰۱۵: ۲۱). در دیدگاه دوم، منلا و دمیتراکی (۲۰۱۴) اثرات منفی مخارج نظامی بر روی رشد، مصرف، سرمایه‌گذاری و رفاه اجتماعی در دوران رکود را ناشی از اثرات برون‌رانی می‌دانند به‌طوری‌که اگر افزایش مخارج نظامی با افزایش مالیات‌های جاری تأمین شود اگر افراد الگوی مصرف ریکاردویی نداشته باشند و میزان افزایش پس‌انداز خصوصی پاسخگوی میزان کسری پس‌انداز عمومی

1. Caruso, R., & Biscione, A.
2. Dunne, P. O.
3. Zagler, D., & Durnecker, E.
4. Loizides, J. O., & Vamvoukas, G.
5. Shafuda, C.

نباشد این امر در طول زمان منجر به افزایش نرخ بهره، کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش اشتغال و در نتیجه تضعیف رفاه اجتماعی می‌شود (منلا و دیگران، ۲۰۱۴: ۳۲). برخورداری و همکاران (۱۳۹۶) در این زمینه اشاره می‌کنند هنگامی که با افزایش مخارج دولت، سطح بدهی دولت افزایش می‌یابد توانایی دولت از نظر بازپرداخت به شکلی تدریجی نسبت به کاهش درآمد و فروش و همچنین نسبت به افزایش نرخ‌های بهره حساس‌تر می‌شود. هنگام هر شوک، بدهی بالا احتمال نکول بالاتری را در پی دارد؛ حتی در ازای یک شوک خفیف مصرف و سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد؛ بنابراین اگر رکود به اندازه کافی بالا باشد نکول‌ها، کمبود تقاضا و بیکاری بالا ممکن است پیامد منفی در اقتصاد به دنبال داشته باشد. بر این اساس به‌جای رشد بالا و پایدار با تورم پایین و باثبات، بدهی می‌تواند به معنی چرخه‌های مالی مختل‌کننده باشد؛ بنابراین اگر رکودها به اندازه کافی عمیق باشند سیستم مالی با شکست مواجه شده و می‌تواند ورشکستگی اقتصاد حقیقی و در نتیجه کاهش رفاه شهروندان را به دنبال داشته باشد. کورمندی^۱ (۱۹۸۳) نیز برای مخارج دفاعی دو نقش متصور است که عبارتند از افزایش ثروت و حفظ ثروت. افزایش ثروت در نتیجه افزایش منابع کشورها در جریان جنگ‌ها محقق می‌شود؛ در این شرایط مخارج دفاعی دولت در حقیقت نوعی سرمایه‌گذاری برای افزایش منابع داخلی است. از طرفی تهدیدهای خارجی همواره نیرویی در جهت کاهش بازدهی سرمایه‌های داخلی بوده و در این شرایط افزایش مخارج دفاعی به دلیل نقش بازدارندگی آن‌ها برای حفظ سرمایه داخلی لازم است (اشرفی و همکاران، ۱۱)؛ که هر دو نقش شرایط لازم برای افزایش رفاه جوامع را فراهم می‌کند؛ بنابراین با توجه به دیدگاه‌های متفاوتی که در زمینه اثرگذاری مخارج دفاعی و امنیتی بر رفاه اجتماعی وجود دارد می‌توان نقش ادوار تجاری را در ایجاد رابطه‌ای غیرخطی میان مخارج نظامی و رفاه اجتماعی در طی زمان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که نوسانات اقتصادی یکی از خصیصه‌های اقتصاد آن بوده برجسته کرد. افزون بر اهمیت مخارج دفاعی و امنیتی دولت بر رفاه اجتماعی باید به شناخت سایر

عوامل تأثیرگذار بر رفاه اجتماعی نیز پرداخت. مطابق با نظر بایلر^۱ (۲۰۰۱) اثر تورم بر نابرابری درآمد و در نتیجه رفاه اجتماعی به این صورت است که با افزایش تورم، درآمد نسبی افرادی که از درآمدهایشان در برابر تغییر قیمت‌ها محافظت می‌کنند (کارگران درونی) نسبت به گروهی که از درآمدهایشان محافظت نمی‌کنند (کارگران بیرونی) افزایش می‌یابد و بر این پایه توزیع درآمد نابرابرتر و در پی آن رفاه اجتماعی کاهش می‌یابد. زائری و ندری (۱۳۹۲) در این زمینه اشاره می‌کنند تورم با تغییر در قیمت‌های نسبی و ایجاد ناعلمینانی، مانع از تشکیل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شده و به‌عنوان مانعی برای اتخاذ تصمیمات صحیح اقتصادی برای کارفرمایان و کارآفرینان اقتصادی موجب اختلالات اقتصادی می‌شود. تأثیرات مطلوب شهرنشینی بر رفاه اجتماعی مرتبط با جاذبه‌های بیشتر شهر برای روستاییان از جمله فرصت‌های شغلی بهتر، دستیابی به درآمد بیشتر، وجود مراکز تفریحی، فعالیت‌های فرهنگی، دسترسی به سیستم حمل‌ونقل، بازارهای مختلف، بستر مناسب برای رشد خلاقیت‌های فردی و اجتماعی، شرایط خوب محیط کار و زندگی همانند مسکن و خدمات رفاهی و فرصت‌های کسب آموزش‌های حرفه‌ای می‌باشد (شمس‌الدینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳). دو دیدگاه کلی در ارتباط با تأثیر باز بودن اقتصاد بر روی رفاه اجتماعی وجود دارد؛ به طوری که موافقان این امر معتقدند بر اساس الگوی هکچر- اوهلین^۲ کشورهای کالایی را صادر می‌کنند که در تولید آن از عامل فراوان در کشور برخوردار هستند؛ بنابراین با توجه به اینکه اکثر کشورهای در حال توسعه دارای فراوانی نیروی کار و کشورهای توسعه‌یافته دارای عامل فراوان سرمایه هستند آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه باعث انتقال منابع به سمت تولید کالاهای صادراتی کاربر خواهد شد که در نتیجه افزایش تقاضا برای نیروی کار موجب کاهش فقر و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی می‌شود (مک کالوچ و همکاران^۳، ۲۰۰۳: ۱۹)؛ همچنین تأثیرات مطلوب متغیر شاخص باز

1. Bulir, A.

2. Hecksher-Ohlin

3. McCulloch, N., & Winter, L. & Cirera, X..

بودن اقتصاد ناشی از پیامدهای مثبت افزایش این شاخص شامل افزایش کارایی عوامل تولید، ارتقای سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و سرمایه فیزیکی، رشد تولید در بخش‌هایی که از مزیت نسبی برخوردارند، شفاف شدن ارتباط میان کارگر و کارفرما، رقابتی شدن بازار کار و حذف انحراف قیمت عوامل تولید از جمله کار و سرمایه در اقتصاد است (امینی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۴). کی نایت و سبوت^۱ (۱۹۸۳) اثر آموزش بر روی نابرابری درآمد و در نتیجه رفاه اجتماعی را شامل دو اثر ترکیبی^۲ و اثر فشار دستمزد^۳ می‌دانند. اثر ترکیبی اشاره بر این دارد که افزایش سواد در افراد آموزش دیده موجب افزایش دستمزد در این دسته از افراد شده که این امر موجب افزایش نابرابری و کاهش رفاه اجتماعی می‌شود؛ از سوی دیگر بر مبنای اثر فشار دستمزد اگر هم‌زمان با افزایش نسبی در عرضه نیروی کار آموزش دیده در مقایسه با نیروی کار تحصیل نکرده، پاداش آموزش یعنی دستمزد کاهش یابد نابرابری درآمد کاسته و رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد؛ بنابراین تأثیر افزایش سطح سواد بر روی رفاه اجتماعی بستگی به برآیند این دو اثر دارد.

۳. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها

مدل‌سازی سری‌های زمانی بر فرض مانایی متغیرها استوار است. اگر متغیرها مورد استفاده در مدل، مانا نباشد برآوردها به یک رگرسیون کاذب منجر می‌شوند. برای بررسی مانایی متغیرها در پژوهش حاضر از آزمون دیکی فولر با لحاظ شکست ساختاری استفاده شده است. نتایج این آزمون با در نظر گرفتن عرض از مبدأ و روند نشان می‌دهد تمامی متغیرها به جز کل مخارج دولت، مخارج دولت در امور دفاعی، فصل دفاع و نظم و امنیت در سطح مانا بوده و متغیرهای مذکور با یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند.

1. Knight, J., & Sabot, R.H.
2. Composition effect
3. Wage Compression Effect

جدول (۱) - آزمون دیکی فولر با لحاظ شکست ساختاری

منبع: محاسبات پژوهش

وضعیت مانایی	آماره T با عرض از مبدأ و روند		نام متغیر
	یک بار تفاضل گیری	سطح	
مانا	-	-۶/۱۶۹۱۶۷***	شاخص رفاه اجتماعی
مانا	-۷/۲۶۳۹۷۳***	-۴/۵۳۵۱۸۸	مخارج دولت در امور دفاعی
مانا	-۸/۳۳۱۸۷۸***	-۴/۸۴۷۰۵۵	مخارج دفاعی
مانا	-۵/۴۴۳۰۳۹***	-۴/۳۱۵۸۷۳	مخارج نظم و امنیت
مانا	-۵/۷۸۴۴۹۳***	-۳/۰۰۴۲۳۴	کل مخارج دولت
مانا	-	-۶/۷۶۸۸۳۸***	نرخ تورم
مانا	-	-۶/۲۲۶۴۱۹***	نرخ شهرنشینی
مانا	-	-۵/۰۰۷۱۷۶**	نرخ باسوادی
مانا	-	-۵/۳۵۵۹۳۸***	شاخص درجه باز بودن اقتصاد

*** معنادار در سطح ۹۹ درصد ** معنادار در سطح ۹۵ درصد

بر اساس نتایج آزمون دیکی فولر با لحاظ شکست ساختاری با توجه به اینکه در مدل‌ها مرتبه هم انباشتگی متغیرها متفاوت است می‌توان از روش خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی برای برازش مدل‌ها استفاده کرد.

جدول (۲) - ادوار تجاری ایران بر اساس روش فیلتر هودریک پرسکات

منبع: محاسبات پژوهش

سال	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸
شکاف	۰/۸۴۶	۲/۵۳۵	-۵/۰۶۷	۱۶/۸۸۴	-۳/۸۶۱	-۱۱/۴۹	-۷/۲۶۰	-۲۰/۷۲
دوره‌ها	رونق	رونق	رکود	رونق	رکود	رکود	رکود	رکود
سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶
شکاف	-۲/۶۳	۲۴/۶۱۷	۱۱/۰۹۲	-۶/۶۳۱	۲/۲۰۹	-۹/۹۵۳	-۰/۶۹۵	-۶/۹۶۹
دوره‌ها	رکود	رونق	رونق	رکود	رونق	رکود	رکود	رکود
سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴
شکاف	۳/۴۰۳	۱۰/۹۳۱	۸/۷۷۷	-۰/۶۲۰	-۲/۳۶۰	-۴/۶۱۹	-۱/۰۱۲	۱/۶۵۹
دوره‌ها	رونق	رونق	رونق	رکود	رکود	رکود	رکود	رونق

سال	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
شکاف	-۲/۹۸	-۱/۷۶	-۲/۴۷۹	۱/۲۳۵	-۲/۶۴۳	۳/۲۰۶	۳/۳۷۳	-۰/۴۰۵
دوره‌ها	رکود	رکود	رکود	رونق	رکود	رونق	رونق	رکود
سال	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
شکاف	۱/۳۹۴	۰/۴۶۲	۰/۹۸۱	۲/۸۲۱	-۳/۴۹۹	-۲/۹۳۶	۳/۲۴۱	۱/۰۱۵
دوره‌ها	رونق	رونق	رونق	رونق	رکود	رکود	رونق	رونق
سال	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
شکاف	-۹/۳۶	-۱/۶۶	۲/۱۶۸	-۲/۲۸۸	۱۲/۲۶۵	۴/۱۰۹	-۴/۲۵۹	-۴/۵۵۰
دوره‌ها	رکود	رکود	رونق	رونق	رونق	رونق	رکود	رکود

بر اساس جدول (۲)، سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۵۰، ۱۳۵۴، ۱۳۶۱-۱۳۶۰، ۱۳۶۳، ۱۳۶۹-۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۷۴، ۱۳۷۸، ۱۳۸۱-۱۳۸۰، ۱۳۸۳-۱۳۸۶، ۱۳۸۹-۱۳۹۰، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶-۱۳۹۵، ۱۳۹۷ و وجود شکاف تولید مثبت به عنوان «دوره‌های رونق» شناخته می‌شوند؛ همچنین سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۵۹-۱۳۵۵، ۱۳۶۲، ۱۳۶۶-۱۳۶۴، ۱۳۷۳-۱۳۷۰، ۱۳۷۷-۱۳۷۵، ۱۳۷۹، ۱۳۸۲، ۱۳۸۸-۱۳۸۷، ۱۳۹۱-۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۸-۱۳۹۷ با وجود شکاف تولید منفی به عنوان «دوره‌های رکود» شناخته می‌شوند. پس از استخراج ادوار تجاری بر اساس فیلتر هودریک پرسکات در جدول (۳) باید به بررسی متفاوت بودن ضرایب اثرگذاری اجزای مخارج دولت در طی دوره‌های رکود و رونق پرداخت.

جدول (۳) - آزمون برابری ضرایب (والد) شوک‌های مثبت و منفی مخارج دولت در دوره‌های رکود و

رونق

منبع: محاسبات پژوهش

شوک منفی		شوک مثبت		متغیر مخارج دولت در الگوها
سطح معناداری	آماره F	سطح معناداری	آماره F	
۰/۰۶۵	۳/۶۳۸	۰/۰۲۷	۵/۳۳۹	امور دفاعی
۰/۰۰۲	۱۰/۸۷۱	۰/۰۰۰	۱۶/۵۴۱	دفاع
۰/۰۰۰	۴۰۴/۷۵۹	۰/۰۰۰	۳۶۵/۴۷۰	نظم و امنیت
۰/۰۴۶	۵/۰۱۸	۰/۰۳۳	۳/۱۱۸	کل مخارج

بر اساس نتایج جدول (۳) چنانچه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر مبنی بر برابری ضرایب در دوره‌های رکود و رونق رد می‌شود. امور دفاعی و فصول دفاع و نظم و امنیت اثر شوک‌های مثبت بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق با یکدیگر تفاوت معنادار آماری دارند. به‌استثنای امور دفاعی در فصول دفاع و نظم و امنیت اثر شوک‌های منفی بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق با یکدیگر تفاوت معنادار آماری دارند. در کل مخارج دولت اثر شوک‌های منفی و مثبت بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق با یکدیگر تفاوت معنادار آماری دارند.

جدول (۴) - نتایج برآوردهای کوتاه‌مدت آثار مخارج دولت بر رفاه اجتماعی

منبع: محاسبات پژوهش

شاخص رفاه اجتماعی آمارتایسن $\text{Log}(W)$				سایر متغیرهای کنترلی الگوها
الگوی کل مخارج دولت (EXP)	الگوی مخارج نظم و امنیت (OSG)	الگوی مخارج دفاع (DG)	الگوی مخارج امور دفاعی (DAG)	
۰/۲۹۷***	۰/۵۰۶***	۰/۵۲۸***	۰/۵۱۴***	وقفه رفاه (WL)
-۸/۱۳۹***	-۷/۲۷۵***	-۶/۱۶۶***	-۷/۲۱۷***	عرض از مبدأ (α)
-۰/۰۵۶***	-۰/۰۶۶***	-۰/۰۶۸***	-۰/۰۶۵***	لگاریتم نرخ تورم $\text{Log}(\text{In})$
-۳/۳۹۷***	-۲/۴۲۶***	-۲/۲۰۴***	-۲/۲۵۱***	لگاریتم نرخ باسوادی $\text{Log}(\text{Literacy})$
۰/۰۸۱***	۰/۲۰۵***	۰/۱۸۷***	۰/۱۸۹***	لگاریتم شاخص درجه باز بودن اقتصاد $\text{Log}(\text{Open}_t)$
۱۰/۴۶۳***	۸/۶۸۷***	۷/۷۱۷***	۸/۴۶۴***	لگاریتم نرخ شهرنشینی $\text{Log}(\text{Urban}_t)$
-	۰/۰۵۷***	۰/۰۵۸***	۰/۰۳۲**	لگاریتم مخارج دولت در سایر امور و فصول به‌جز امور یا فصل مربوط $\text{Log}(\text{Other_EXP})$
-۰/۰۰۵	۰/۰۱۳	۰/۰۱۸**	۰/۰۲۳	یارانه‌ها (Subsidy_t)
-۰/۰۳۴***	۰/۰۰۱	۰/***۰۶۲	۰/۰۴۶**	شوک‌های مثبت در زمان رکود $(\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{RECESSION})$
-۰/۰۱۸***	۰/۰۲۸***	۰/۰۶۹***	۰/۰۵۳***	شوک‌های مثبت در زمان رونق $(\text{Shock}_{\text{POS}} * \text{BOOM})$
۰/۱۵۵***	۰/۰۱۱	۰/۰۳۱***	۰/۰۴۲	شوک‌های منفی در زمان رکود $(\text{Shock}_{\text{NEG}} * \text{RECESSION})$
۰/۴۲۲***	۰/۲۳۶***	۰/۰۵۳**	۰/۰۸۲**	شوک‌های منفی در زمان رونق $(\text{Shock}_{\text{NEG}} * \text{BOOM})$
-۰/۰۳۷***	-۰/۰۳۶***	-۰/۰۳۷***	-۰/۰۳۹***	روند زمانی (Timetrend)

**معنادار در سطح ۹۹ درصد، *معنادار در سطح ۹۵ درصد، * معنادار در سطح ۹۰ درصد

بر اساس نتایج جدول (۴) شوک‌های فزاینده و کاهنده مخارج دولت در دوره‌های رکود و رونق اثر متفاوتی بر رفاه اجتماعی دارند. اثر شوک‌های فزاینده کل مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری منفی و معنادارند؛ این در حالی است که اثر شوک‌های کاهنده مخارج دولت بر رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری مثبت و معنادار هستند. برخلاف انتظار شوک‌های کاهنده در مقایسه با شوک‌های فزاینده تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی دارند؛ همچنین اثر شوک‌های کاهنده مخارج دولت در دوره‌های رونق در مقایسه با سایر شوک‌ها تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارد.

اثر شوک‌های فزاینده و کاهنده مخارج دولت در امور دفاعی بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق مثبت بوده و به استثنای شوک کاهنده مخارج دولت در دوره‌های رکود اثرگذاری‌ها معنادار بوده است؛ همچنین با در نظر گرفتن هر دو دوره رکود و رونق، به ترتیب شوک‌های کاهشی و افزایشی مخارج دولت در امور دفاعی در دوره‌های رونق و رکود در مقایسه با سایر دوره‌ها تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی دارند.

اثر شوک‌های فزاینده و کاهنده مخارج دولت در فصل دفاعی بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق مثبت و معنادار بوده است. بر اساس انتظار شوک‌های فزاینده، مخارج دولت در فصل دفاع در مقایسه با شوک‌های کاهنده تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی دارند. اثر شوک فزاینده مخارج دولت در فصل دفاع در دوره‌های رونق در مقایسه با سایر شوک‌ها تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی در ایران دارد.

اثر شوک‌های فزاینده و کاهنده مخارج دولت در فصل نظم و امنیت بر رفاه اجتماعی در دوره‌های رکود و رونق مثبت بوده و تنها اثرات این شوک‌ها در دروان رونق معنادار بوده است؛ همچنین با در نظر گرفتن هر دو دوره رکود و رونق به ترتیب شوک‌های کاهشی و افزایشی مخارج دولت در فصل نظم و امنیت در دوره‌های رونق در مقایسه با سایر دوره‌ها تأثیر بیشتری بر رفاه اجتماعی دارند؛ بنابراین اثرگذاری کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و امنیتی در طی ادوار تجاری نامتقارن است. نتایج حاصل از پژوهش مطابق با نتایج حاصل از پژوهش‌های یولکو کارادام و همکاران (۲۰۱۶)، منلا و دمیتراکی (۲۰۱۴)،

چیپی و همکاران (۲۰۱۴)، سیمادومو و بناسی کوئر (۲۰۱۲)، انتظار و نجفی (۱۳۹۷) مبنی بر وجود رابطه غیرخطی و نامتقارن مخارج دولت بر رشد اقتصادی و در نتیجه رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری است. در ارتباط با متغیرهای کنترلی مدل می‌توان گفت اثرگذاری نرخ تورم و نرخ باسوادی بر روی رفاه اجتماعی منفی و اثرگذاری متغیرهای شاخص درجه باز بودن اقتصاد، نرخ شهرنشینی و هدفمندی یارانه‌ها بر روی رفاه اجتماعی مثبت بوده است. دلیل اثرگذاری منفی نرخ تورم و نرخ باسوادی به ترتیب ناشی اثرات نامطلوب تورم در مکانیسم بازار و عدم توزیع مناسب منابع در اقتصاد بوده و در ارتباط با نرخ باسوادی می‌توان به شکل‌گیری فاصله طبقاتی ناشی از شکاف دستمزد بین افراد با تحصیلات بیشتر و افراد با تحصیلات کمتر و در نتیجه آسیب دیدن رفاه این دسته از افراد اشاره داشت. در زمینه اثرگذاری مثبت شاخص درجه باز اقتصاد می‌توان گفت بر اساس الگوی هکچر- اوهلین^۱ ایران به صادرات کالاهایی می‌پردازد که در آن‌ها از عامل فراوان نیروی کار استفاده می‌شود؛ بنابراین آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران باعث انتقال منابع به سمت تولید کالاهای صادراتی کاربر خواهد شد که در نتیجه افزایش تقاضا برای نیروی کار باعث کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. نرخ شهرنشینی به دلایل دسترسی به خدمات مدرن شهری از جمله کالاهای عمومی، سیستم حمل‌ونقل و بازارهای مختلف تأثیر دارای آثار مثبت بر روی رفاه شهروندان است.

۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

بدون ایجاد امنیت در کشور امکان گسترش فعالیت‌های اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی در یک جامعه میسر نیست؛ بنابراین بررسی اثرگذاری کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و فصول مربوط به آن شامل نظم و امنیت و دفاع بر روی شاخص

رفاه اجتماعی آمارتپاسن در طی ادوار تجاری در اقتصاد ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ از این رو هدف پژوهش حاضر قرار گرفته و نتایج حاصل از برآوردها با استفاده از مدل خود رگرسیون غیرخطی با وقفه‌های توزیعی در طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۵۲ نشان می‌دهند اثرگذاری کل مخارج دولت و مخارج دولت در امور دفاعی و زیرفصول مربوط به آن در طی زمان غیرخطی بوده است به گونه‌ای که رفتاری نامتقارن در این اثرگذاری در طی دوره‌های رکود و رونق بر رفاه اجتماعی مشاهده شده است. شوک مثبت مخارج دولت در امور دفاعی و فصل دفاع در دوره رکود افزون بر فصل نظم و امنیت در دوره‌های رونق موجب افزایش رفاه اجتماعی شده‌اند. شوک منفی مخارج دولت نیز در امور دفاعی و فصول دفاع و نظم و امنیت در دوره‌های رونق به علاوه فصل دفاع در دوره‌های رکود موجب افزایش رفاه اجتماعی شده‌اند؛ همچنین با در نظر گرفتن شوک مثبت مخارج دولت امور دفاع و فصول دفاع و نظم و امنیت تنها دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رونق بر روی رفاه اجتماعی بوده‌اند؛ در حالی که با در نظر گرفتن شوک منفی مخارج دولت امور دفاع و فصول دفاع و نظم و امنیت دارای اثرگذاری بیشتر در دوره‌های رونق بر روی رفاه اجتماعی بوده‌اند. دلیل آن را می‌توان بر این اساس توجیه کرد که مخارج دفاعی و امنیتی در ایران دارای ماهیت سرمایه‌ای بوده و با ایجاد زیرساخت‌های متنوع‌تر، افزایش تقارن‌های فنی و سرمایه‌انسانی موجب افزایش سطح رفاه اجتماعی در طی ادوار تجاری شده‌اند.

۲-۴. پیشنهادها

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین اهداف دولت در سیاست‌گذاری‌های مختلف خود، حداکثر کردن رفاه اجتماعی است و از آنجاکه میزان مخارج دولت در امور مختلف از جمله امور دفاعی و امنیتی بر رفاه اجتماعی تأثیرگذار است؛ از این رو دولت با توجه به شرایط رکود و رونق اقتصادی باید میزان مخارج خود در امور دفاعی و امنیتی را طوری تنظیم کند که موجبات حداکثر شدن رفاه اجتماعی را فراهم کند. بر اساس نتایج پژوهش پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی زیر به منظور افزایش رفاه اجتماعی ارائه می‌شود:

- (۱) در صورت اعمال شوک‌های مثبت از سوی دولت برای حداکثر شدن رفاه اجتماعی شهروندان، دولت مخارج خود را در دوره‌های رکود باید صرف فصل دفاع و در دوره‌های رونق به ترتیب اولویت صرف فصل دفاع و نظم و امنیت کند؛ زیرا این فصول دارای آثار معنادار به‌منظور افزایش رفاه اجتماعی هستند.
- (۲) در صورت اعمال شوک‌های منفی از سوی دولت به‌منظور حداکثر شدن رفاه اجتماعی شهروندان، دولت باید در طی دوره‌های رکود مخارج خود را صرف فصل دفاع و در دوره‌های رونق و بر اساس اولویت‌بندی به ترتیب صرف فصل نظم و امنیت و فصل دفاع کند؛ این اولویت‌بندی نیز بر اساس میزان و معناداری نتایج این پژوهش ارائه شده است.
- (۳) در ارتباط با کل مخارج دولت با اعمال شوک‌های مثبت و منفی، مخارج دولت باید در طی دوره‌های رونق بیشتر باشد و تا رسیدن به مقدار بهینه از مخارج دولت به‌منظور حداکثر کردن رفاه اجتماعی ادامه یابد.



فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. احمدوند، نرگس؛ عزیزاده، محمد؛ فطرس، محمدحسین؛ دلفان، محبوبه (۱۳۹۹)، حصول سهم بهینه مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی با هدف حداکثرسازی رفاه اجتماعی (با تأکید بر امور و فصول بودجه عمومی دولت)، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۲۰، ش ۷۹، صص ۱۵۳-۱۹۵.
۲. اشرفی، یکتا؛ سلیمی فر، مصطفی؛ عادل، محمدحسین؛ توکلیان، حسین (۱۳۹۷)، بررسی اثر مخارج دولت بر رفاه در ایران: کاربرد الگوهای تعادل عمومی پویای تصادفی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، س ۲۶، ش ۸۵، صص ۸۲-۳۳.
۳. امینی، علیرضا؛ مرادزاده، سلاله (۱۳۹۴)، تحلیل تأثیر آزادسازی تجاری بر نرخ بیکاری: مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه، فصلنامه علوم اقتصادی، س ۹، ش ۳۱، صص ۹۳-۷۷.
۴. انتظار، الناز؛ نجفی، مینا (۱۳۹۷)، تبیین آثار غیرخطی مخارج دولت بر رشد اقتصادی ایران در ادوار تجاری (رهیافت مدل چرخشی مارکوف با ضرایب متغیر)، فصلنامه مهندسی تصمیم، س ۲، ش ۷، صص ۱۳۳-۱۱۶.
۵. برخوردار، سجاده؛ عبدی، مائده؛ سولگی، صدیقه (۱۳۹۶)، رابطه رشد درآمد سرانه، اعتبارات دریافتی خانوار و نابرابری درآمدی، مورد مطالعه: استان‌های ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، س ۱۸، ش ۶۹، صص ۱۳۲-۱۰۷.
۶. حسینی، سید مهدی؛ عبدی، علیرضا؛ غیبی، علیرضا؛ فدایی، ایمان (۱۳۸۷)، ترکیب اجزای مخارج دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی با امور و فصول بودجه عمومی دولت، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، س ۱۶، ش ۴۸، صص ۶۳-۳۷.
۷. زائری، محمد؛ ندری، کامران (۱۳۹۲)، محاسبه هزینه‌های رفاهی در ایران، فصلنامه راهبرد اقتصادی، س ۲، ش ۴، صص ۷۱-۴۰.
۸. سامتی، مرتضی؛ صامتی، مجید؛ قضاوی، رسول (۱۳۸۷)، بررسی اثر ترکیب بودجه دولت بر رفاه اجتماعی در ایران: دوره زمانی (۱۳۸۲-۱۳۶۰)، فصلنامه توسعه و سرمایه، س ۱، ش ۲، صص ۷۰-۴۹.
۹. سلیمی فر، مصطفی؛ داودی، آزاده؛ عربی، ادیب (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر ترکیب بودجه‌ای دولت بر شاخص‌های رفاه در ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد اقتصادی، س ۳، ش ۱۲، صص ۱۸۰-۱۵۳.

۱۰. شمس‌الدینی، علی؛ گرجیان، پروین (۱۳۸۹)، عوامل مؤثر در مهاجرت روستاییان به شهرها، با تأکید بر شبکه مهاجرت (مورد: دهستان رستم دو)، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی، س ۵، ش ۱۱، صص ۹۲-۷۵.
۱۱. موحدی، مسعود؛ سیاوش آبکناری، مسعود (۱۳۹۶)، شناسایی شاخص‌های امنیت و آمادگی دفاعی و بررسی اثر آن‌ها بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب و ارائه راهکارهای سیاستی برای جمهوری اسلامی ایران، س ۲، ش ۶، صص ۱۲۱-۹۹.
۱۲. نادمی، یونس؛ مفتخری، علی (۱۳۹۶)، حد بهینه فعالیت‌های دولت و رفاه اجتماعی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۵۴: رویکرد سری زمانی غیرخطی، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۱۷، ش ۶۷، صص ۳۵-۹.

ب. منابع انگلیسی

1. Aye, G., Balcilar, M., Dunne, P., Gupta, R., & van Eyden, R. (2014). Military expenditure, economic growth and structural instability, *Defense and Peace Economics*, 25(6), 619-633.
2. Batchelor, P., Dunne, P., & Saal, D. (2000). Military spending and economic growth in South Africa. *Defense and Peace Economics*, 11(4), 553-571.
3. Baranowski, P., Krajewski, P., Mackiewicz, M., & Szymańska, A. (2016). The Effectiveness of Fiscal Policy Over the Business Cycle: A CEE Perspective. *Emerging Markets Finance and Trade*, 52(8), 1910-1921.
4. Benoit, E. (1978). Defence and growth in developing countries, *Economic Development and Cultural Change*, 26(2), 271-280.
5. Bulir, A. (2001). Income Inequality: Does Inflation Matter?. IMF Working Paper, 48(1).
6. Caruso, R., & Biscione, A. (2018). Military Expenditures and Income Inequality Evidence from A Panel of Transition Countries (1990-2015). *Cespac Working Paper*, No. 123.
7. Dunne, P. (1996). Economic Effects of Military spending in Developing Countries: a survey, in *The Peace Dividend (Contributions to Economic Analysis)*, chapter 23, North Holland, Amsterdam, 439-464.
8. D'Agostino, G., Dunne, P., & Pieroni, L. (2011). Optimal Military Spending in the US: A time series analysis. *Economic Modelling*, 28(3), 1068-1077.
9. Haile, F., & Nino-Zarazua, M. (2018). Dose Social Spending Improve Welfare in Low-Income and Middle Income Countries? *Journal of International Development*, 30, 367-398.
10. Hasnul, A.G. (2016). The Effects of Government Expenditure on Economic Growth: The case of Malaysia, INCEIF, Global University of Islamic Finance, MPRA Paper, No. 71254.

11. Jouini, J. (2018). Measuring The Macroeconomic Impacts of Fiscal Policy Shocks in The Saudi Economy: A Markov Switching Approac. *Romanian Journal of Economic Forecasting – Xxi* (4), 55-70.
12. Knight, J., & Sabot, R.H. (1983). Educational Expansion and the Kuznets Effect. *American Economic Review*, 73(5), 1132-1136.
13. Kollias, C., Mylonidis, N., & Paleologou, S.M. (2007) A Panel Data Analysis of the Nexus Between Defence Spending and Growth in the European Union, *Defense and Peace Economics*, 18, 75 –85.
14. Kusi, N. K. (1994) Economic growth and defense spending in developing countries: a causal analysis, *Journal of Conflict Resolution*, 38, 152–159.
15. nonlinear unit root test. *Defense and Peace Economics*, 1, 1-20.
16. MCCulloch, N., & Winter, L., & Cirera, X. (2003). *Trade Liberalisation and Poverty: A Handbook*. Centre for Economic Policy Research, 1-384.
17. Mintz, A., & Huang, C. (1990). Defense Expenditures, Economic Growth, and the 'Peace Dividend'. *The American Political Science Review*, 84, 1283–1293.
18. Mintz, A., & Stevenson, R. T. (1995). Defense Expenditures, Economic Growth, and the 'Peace Dividend': A Longitudinal Analysis of 103 Countries. *Journal of Conflict Resolution*, 39 (2), 283–305.
19. Menla, A. F., & Dimitrakib, O. (2014). Military spending and economic growth in China: a regime-switching analysis. *Applied Economics*, 46(28), 3408-3420
20. Majeski, S. J. (1992). *Defense Budgeting, Fiscal Policy, and Economic Performance*, London: Routledge, 217–237.
21. Phiri, A. (2016). Does Military Spending Nonlinearly Affect Economic Growth in South Africa? MPRA Paper, No.69730.
22. Pieroni, L. (2009) Military Expenditure and Economic Growth, *Defense and Peace Economics*, 20, 327–339.
23. Saba, Ch., & Ngepah, N. (2010). Nexus Between Defense Spending, Economic Growth And Development: Evidence From A Disaggregated Panel Data Analysis, *Economic Change and Restructuring*.
24. Sen, A. K. (1973). *On Economic Equality*. Oxford, UK, Clarendon Press, 1, 1-267.
25. Sen, A. K. (1974). Information Bases of Alternative Welfare Approaches. *Journal of Public Economics*, 3, 387-403.
26. Shieh, J., Lai, C., & Chang, W. (2002) The Impact of Military Burden On Long-Run Growth and Welfare, *Journal of Development Economics*, 68, 443–454.
27. Shin, Y., Yu, B., & Greenwood-Nimmo, M. (2014). Modelling Asymmetric Co Integration and Dynamic Multipliers in a Nonlinear ARDL Framework, *Festschrift in Honor of Peter Schmidt*. Springer, New York, 281–314.
28. Yolcu Karadam, D., Yildirim, J., & Öcal, N. (2016). Military expenditure and economic growth in Middle Eastern countries and Turkey: a non-linear panel data approach, *Defense and Peace Economics*.